



زن جوان مدعی است نادانسته
با پسر مطرود یک خانواده ازدواج کرده است

طلاق از همسر ناخلف!



برخی خانواده‌ها

فکر می‌کنند با ازدواج

فرزند ناخلفشان

سر به راه می‌شود

در صورتی که قبل

از خواستگاری باید

توانایی اداره زندگی چه

از نظر مالی و چه روانی را

در فرزندشان ببینند و

بعد اقدام کنند



می‌کردم. ولی اشتباه کردم. تصور می‌کردم در زندگی فقط عشق مهم است.

در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی همسر من همه این حرف‌ها را بهانه کرده است. او با تصور این که خانواده‌ام پولدار هستند و بعد از ازدواج زندگی مرفهی برایمان فراهم می‌کنند، با من عروسی کرد. وقتی فهمید خبری از پول و خانه و زندگی مجلل نیست، به دنبال بهانه گشت تا از من جدا شود. او گول پول و ثروت پدرم را خورد. در صورتی که من همیشه دلم می‌خواست مستقل باشم. به خاطر همین موضوع با خانواده‌ام به مشکل برخوردیم. ولی وقتی رعنا متوجه این موضوع شد، شروع کرد به جار و جنجال و بهانه‌گیری؛ هرچه دلش خواست به من گفت و در نهایت پیشنهاد طلاق داد. در صورتی که من از روز اول آشنایی تا الان هیچ‌وقت کوچک‌ترین رفتار بدی با او نداشته‌ام. همیشه سعی کردم بهترین‌ها را برایش فراهم کنم اما او قدر ندانست و به خاطر پول و ثروت، زندگی‌مان را نابود کرد.

در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی وقتی اصرار آنها را دید رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد.

رعنا بعد از عقد بود که

متوجه شد شوهرش هیچ

اعتباری نزد خانواده‌اش ندارد.

او وقتی رفتار خانواده

شوهرش را دید تصمیم

گرفت برای همیشه به این ازدواج پایان دهد. این زوج

هفته گذشته کارشان به دادگاه خانواده تهران

کشیده شد و درخواست جدایی دادند.

زن جوان وقتی مقابل قاضی دادگاه قرار گرفت،

درباره ماجرای زندگی‌اش گفت: هفت ماه است که

عقد کرده‌ام. من عاشق شاهین بودم و از همان

روز اولی که او را دیدم تصور می‌کردم مرد رویاهایم را

پیدا کرده‌ام. شاهین رفتارش با من خیلی خوب بود.

دوستم داشت و به من محبت می‌کرد. من نیز کم‌کم

به او وابسته شدم تا جایی که وقتی پیشنهاد ازدواج

داد بلافاصله قبول کردم. مدت آشنایی ما چهار ماه

بیشتر طول نکشید. به همین دلیل نتوانستم به

خوبی او را بشناسم.

من محو رفتارهای محبت‌آمیزش شدم و در مورد

خیلی از مسائل تحقیق نکردم. وقتی خانواده شاهین

به خواستگاری من آمدند جواب بله گرفتند، مراسم

خیلی زود انجام شد. رفتارشان جوری بود که گویا

عجله دارند. من متوجه این رفتارها نبودم. فقط دلم

می‌خواست زندگی‌ام با شاهین را آغاز کنم. اما درست

از همان روزهای اول زندگی متوجه اشتباهم شدم.

خانواده شاهین ما را رها کردند. دیگر سراغی از

ما نگرفتند. وقتی علت را پرسیدم شاهین گفت

خانواده‌ام زیاد اهل رفت و آمد نیستند. اما کم‌کم

به این موضوع شک کردم. سعی کردم خودم از

خانواده شوهرم علت را جویا شوم. جوابی شنیدم

که به شدت شوکه شدم. آنها گفتند سال‌هاست

شاهین را طرد کرده‌اند. او همیشه با خانواده دعوا

می‌کرده و حتی پدر و مادرش را کتک هم زده‌است.

برای همین آنها نیز خیلی وقت است نمی‌خواهند

شاهین را ببینند. فقط برای ازدواجش اقدام کردند. از

وقتی متوجه شدم شاهین فرزند ناخلف خانواده‌اش

است و هیچ‌کس برایش احترام و ارزش قائل نیست،

نسبت به او مشکوک شدم. دیگر علاقه‌ای به زندگی

با او ندارم. این مرد اگر مرد خوبی بود، خانواده‌اش او

را طرد نمی‌کردند. حتی خواهر و برادرهایش هم حاضر

نیستند او را ببینند. دیگر نمی‌توانم این مرد را تحمل

کنم. احساس می‌کنم اشتباه کرده‌ام. باید از ابتدا

بیشتر تحقیق می‌کردم و در مورد همه چیز اطلاع پیدا

روایت پسرعموی مقتول از عفو کریمانه

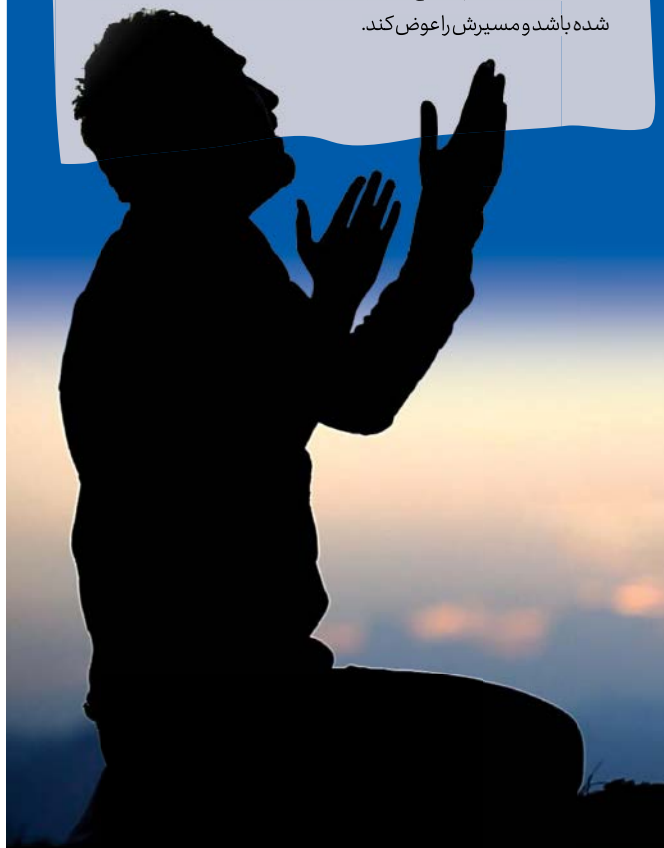
میرغفوریان، پسرعموی مقتول در تشریح این ماجرا به تپش می‌گوید: عمویم قبل از فوت بچه‌هایش را به من سپرده بود. پسرعموی مرحوم یکی از شخصیت‌های فرهنگی شهر و از سادات بوده که متولی حسینیه‌ای در شهر شاهرود بود و به برگزاری مراسم مختلف در فضایل اهل بیت اهتمام خاصی داشت. او صبح روز حادثه همزمان با ولادت بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا(س) به همراه شخصی دیگر در حال برگشت از حسینیه بود که متوجه روشن کردن آتش در ساختمان نیمه‌کاره کنار حسینیه می‌شود و بعد از جویا شدن در خصوص چرایی وجود آتش در ساختمان نیمه‌کاره، باین جوان درگیری لفظی و فیزیکی پیدا می‌کنند که در نتیجه فرد همراهش مصدوم می‌شود و او هم توسط پسر



جوان به داخل آتش پرت می‌شود. بعد از آن برای مداوا به تهران انتقال پیدا کرد که به دلیل بالا بودن درصد سوختگی همزمان با روز ولادت حضرت زهرا(س) جان به جان آفرین تسلیم کرد.

میرغفوریان می‌گوید: بعد از فوت پسرعمویم قاتل فراری بعد از یکی دو سال در تهران دستگیر و به زندان شاهرود منتقل شد و چون قتل عمد مرتکب شده بود حکم قصاص برای او بریده شد. تا مدت‌ها خانواده و برخی کسانی که در این بین واسطه شده بودند و از جمله امام جماعت یکی از مساجد شهر برای گرفتن رضایت می‌آمدند. در ابتدا ما خواهان اجرای قصاص بودیم تا این‌که بعد از مدتی به این فکر کردیم اجرای قصاص چگونه آتش کینه‌توزی و دشمنی را در برخی خانواده‌ها داغ کرده و آرامش را از آنها گرفته است. از آن پس تصمیم بر عفو گرفتیم، هرچند ترجیح دادیم این مساله مطرح نشود تا این جوان متوجه خطایش بشود. سرانجام بعد از صحبت‌های فراوان با برادر و خواهران مقتول، آنها ادامه جریان را به من سپردند و گفتند هر طور خودت صلاح می‌دانی عمل کن.

وی درباره روز اجرای حکم می‌گوید: روز موعود فرارسید و به ما خبر دادند فردا صبح مراسم اعدام انجام می‌شود. ما به زندان شاهرود رفتیم و در آخرین لحظات قبل از اجرای حکم یکی از افرادی که در این ماجرا واسطه شده بود نزدیک آمد و گفت: تو را به مادرمان زهرا قسمت می‌دهیم که برای رضای خدا از این جوان بگذر و در این لحظه من گفتم مرا به کسی قسم دادی که اگر تمام عالم در برابر من جبهه بگیرند نمی‌توانم حرفی بزنم و از آنجا که فوت این مرحوم با ولادت مادر سادات حضرت فاطمه زهرا(س) مصادف شده بود به این ترتیب از قصاص صرف نظر کردیم و با درآوردن طناب دار از گردنش، لذت عفو را بر انتقام ترجیح دادیم. امیدواریم این جوان متوجه خطایش شده باشد و مسیرش را عوض کند.



مخفی‌کاری نکنید

سارا شقاقی، روان‌شناس در این رابطه می‌گوید: انتخاب همسر شاید مهم‌ترین انتخاب زندگی هر فرد باشد؛ انتخابی که می‌تواند تاثیر فراوانی بر میزان رضایتمندی فرد از زندگی‌اش تا آخر عمر داشته باشد. برای همین زن و مرد در دوران آشنایی باید بتوانند گفت‌وگوی درستی درباره انتظارات خود از زندگی مشترک و زن‌اشویی داشته باشند. باید بتوانند فضای ذهنی یکدیگر را بشناسند و ببینند. باید نقاط مشترکی درباره وظایف هر کدام از همسران، برنامه‌ریزی برای آینده، اهداف کلی زندگی و غیره داشته باشند. علاوه بر این، خانواده‌ها نیز باید خوب و در سطح هم باشند. زن و شوهر باید بتوانند خانواده هم‌دیگر را بپذیرند و این توانایی را ببینند که به خانواده همسر آینده‌شان بپیوندند. از سوی دیگر مسائلی را که در آینده در زندگی مشترک‌شان نقش خواهد داشت مطرح کرده و همسر خود را در جریان قرار دهند. خانواده‌ها نیز نباید در برابر پسر یا دختر خود پنهان‌کاری کنند. متأسفانه برخی خانواده‌ها فکر می‌کنند با ازدواج، فرزند ناخلفشان سر به راه می‌شود در صورتی که قبل از خواستگاری باید توانایی اداره زندگی چه از نظر مالی و چه روانی را در فرزندشان ببینند و بعد اقدام کنند. در صورتی که این توانایی در فرزند وجود داشته باشد، ازدواج می‌تواند در رفتارشان تاثیر بگذارد.